

کبریا که در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا

سپاهش در یک سو گشته اند	بدان میان کشش اندر زدند
رسیدن اسکنند بجیش و زرم او	
بگشتند خندان و از که راه	بکبار کی شک شد سپاه
از اینجا که شاه خورشید و ش	ساده دمان تا زمین جیش
زرم و دم زمین و بد چون پز زراع	باند ام چون تیره و دید چرخ
تجاوری کی شک کردند	جیش تن روی و بال بلند

کبریا که در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا
 بزرگوار است و در دین و دنیا



جوارزون

بنیادین	چون برادرش	که معجزه
بنیادین	سکندر	نوشتر
بنیادین	جایگاه	چون در
بنیادین	مکدونه	ایدر
بنیادین	والی	ایدر
بنیادین	مستقر	از
بنیادین	کاست	که
بنیادین	استعداد	کچ
بنیادین	ال	اع
بنیادین	فصل	کو
بنیادین	در	در
بنیادین	و	ا
بنیادین	رج	ا
بنیادین	ر	ر
بنیادین	ر	ر